

بررسی تطبیقی اصل کلی حقوقی همکاری متقابل در اسناد بین‌المللی راجع به قراردادها و حقوق ایران با تأکید بر قراردادهای نفتی

عاطفه قاسمی^۱، محمدتقی رفیعی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۲

چکیده

همواره انتظار می‌رود که مفاد قراردادها آئینه مقاصد طرفین قرارداد باشد و با پشتوانه اصول و شروط مندرج در قرارداد به درستی و در نهایت صحت و تکامل اجرا شود تا طرفین را در نیل به مقاصدشان یاری کند. یکی از این اصول، اصل همکاری متقابل است. این اصل، در صورت درج شدن در قرارداد، ممکن است طرفین قرارداد را به‌طور سلبی یا ایجابی به انجام یا عدم انجام اموری متعهد کند که ضامن صحت، بقا و اجرای تعهدات حاصل از قراردادها هستند. مسئله مهمی که ممکن است به معضلی تبدیل شود آن است که چنانچه شرط و اصل متعهدشدن به همکاری متقابل جهت ایفای مفاد قراردادی درج نشود و حتی به شکل تلویحی نیز مقرر نگردد که طرفین متعهد به داشتن همکاری متقابل با یکدیگرند و یا امری ناخواسته در حین اجرای قرارداد به وقوع بپیوندد که وقوع و نتیجه آن در قرارداد قید نشده است، برای ادامه روند اجرای انجام چه باید کرد؟ در پی یافتن پاسخ این پرسش، در مقاله حاضر، با بررسی مفهوم و جایگاه و نقش اصل همکاری متقابل در اسناد مهم بین‌المللی راجع به قراردادها و فقه اسلامی و حقوق ایران، راهکارهایی جایگزین مراجع صالحه قانونی برای حل و مدیریت اختلافات به منظور تعدیل و حفظ قراردادها و به‌ویژه قراردادهای نفتی که پیچیدگی خاصی دارند معرفی شده است.

واژگان کلیدی: اصل حسن نیت، تعدیل قرارداد، حفظ قرارداد، رفتار منصفانه، مدیریت اختلافات

۱. دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ Atefe.ghasemi@ut.ac.ir

۲. دکتری حقوق خصوصی، دانشیار گروه آموزش حقوق خصوصی دانشگاه تهران rafiei@uta.ac.ir

مقدمه

اصل در لغت‌نامه دهخدا در معنای بنیاد و ریشه و هرآنچه وجود آن بسته به وی باشد آمده است (ستوده، ۱۳۸۵، جلد ۱) و در حقوق قراردادهای به معنای راهکارهای پیش‌بینی‌شده‌ای است که اجرای آن‌ها به فرجام قرارداد کمک می‌کند. در باب اصل همکاری متقابل اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UNIDROIT, 1994) بیان و شفاف‌سازی می‌کنند که در زمان انعقاد قرارداد، طرفین نه تنها ذی‌نفع حقوقی در برابر یکدیگر می‌شوند، بلکه متقابلاً نسبت به یکدیگر وظایفی را نیز به‌عهده می‌گیرند. در برخی موارد خاص از این اصول اشاره شده است که یک طرف قرارداد به‌منظور قادرسازی طرف مقابل به انجام تعهدات و وظایفش ملزم به انجام یا عدم انجام موارد خاصی است. تعهد به همکاری متقابل اصلی است که در فصل پنجم از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی که مرتبط با مقررات شروط ضمنی در حقوق قراردادهاست مطرح شده است. به‌موجب ماده ۱،۳، ۵ از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، هریک از طرفین قرارداد ملزم به داشتن همکاری متقابل در زمانی هستند که چنین همکاری‌ای به‌طور منطقی برای اجرای تعهدات طرفین قرارداد مورد انتظار باشد. از این‌رو، اصل کلی تعهد به همکاری متقابل به اصول ضمنی دیگری همچون حسن‌نیت و معامله و رفتار منصفانه و منطقی (مستفاد از ماده ۱،۳، ۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی) شباهت و به آنان مرتبط است؛ اما از آنجاکه در فصل پنجم به این اصل جداگانه اشاره شده است، بیانگر این واقعیت است که این اصل اصلی جداست و این جداسازی اهمیت فراوان موجود در تعهد به همکاری متقابل را برای انجام تعهدات و وظایف قراردادی بیان و هویدا می‌سازد. تعیین ماهیت اصل تعهد به همکاری متقابل در جایی که انجام این وظیفه به‌طور ضروری بر امور و شرایط واقعی استوار است امر مشکلی است. در واقع شرایط اجرای قرارداد ممکن است طرفین قرارداد را ملزم سازد که در اجرای تعهدات قراردادی خویش فعال یا منفعل باشند.

1. Article 5.1.3 (Co-operation Between The Parties)

Each party shall co-operate with the other party when such co-operation may reasonably be expected for the performance of that party's obligations.

در یکی از تفاسیر اخیر مرتبط با تفسیر این اصل از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی خط فاصلی را میان انواع تعهد به همکاری متقابل ترسیم کرده است که به شرح زیر تبیین می‌شود:

الف) هریک از طرفین قرارداد ملزم است، در شرایطی که قرارداد مقرر می‌دارد، از انجام کاری خودداری کند. هیچ‌یک از طرفین مجاز به انجام کاری نیست که موجب شود طرف دیگر قرارداد از انجام الزامات قراردادی خویش باز بماند.

ب) هریک از طرفین قرارداد ملزم است، برای اجرای مفاد قرارداد، هر کاری را که لازم باشد به انجام برساند.

با تبیین این مقدمه، پرسش اصلی این مقاله آن است که این اصل در اسناد مهم بین‌المللی در خصوص قراردادها چگونه تعریف شده است و هریک از این اسناد چه رویکردی به این اصل برای تحقق حقوق ذی‌نفعان قرارداد دارند و چنانچه این اصل حتی به‌طور تلویحی در قراردادها مطرح نشود یا اموری پیش آید که رویداد و نتیجه آن مورد انتظار و توافق طرفین نبوده است، چه راهکارهایی برای حفظ و تعدیل قراردادها و به‌ویژه قراردادهای نفتی به‌منظور پرهیز از مراجعه به مراجع قانونی برای حل اختلافات متصور است؟

در این مقاله، برای یافتن پاسخ، اصل همکاری متقابل در اسناد مهم بین‌المللی راجع به قراردادها بررسی می‌شود و مفهوم این اصل در اسناد مهمی همچون کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصول حقوق قراردادهای اروپا و طرح چارچوب مشترک مرجع در باب حقوق خصوصی اروپایی تبیین می‌گردد. همچنین جایگاه این اصل در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران تبیین خواهد شد و با بهره‌گیری از آن‌ها رهنمودهایی برای حفظ و تعدیل و همچنین رفع اختلافات حاصل از قراردادها و به‌ویژه قراردادهای نفت و گاز مطرح خواهد شد.

۱. تعریف و تبیین جایگاه اصل همکاری متقابل در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۱ ۱۹۸۰ وین، برخلاف سند اصول قراردادی تجاری
بین‌المللی، اصول حقوق قراردادهای اروپا و طرح چارچوب مشترک مرجع در باب حقوق
خصوصی اروپایی مشاهده می‌شود که به صراحت وظیفه طرفین نسبت به همکاری متقابل
را مطرح و تعریف کرده‌اند. در جای‌جای این کنوانسیون به همکاری متقابل فقط به صورت
گذرا و اجمالی اشاره شده است (Neumann, 2012, p.110). این کنوانسیون برای طرفین
وظیفه همکاری متقابل را به طور سلبی و اثباتی یا ایجابی معین نموده است.

۱-۱. وظایفی که به طور ایجابی و اثباتی^۲ تصریح شده‌اند

کنوانسیون، در قسمت‌ها و مواد مختلف، همکاری متقابل طرفین را در انجام یک
عمل معین تعیین و بیان نموده است که می‌توان انجام وظایفی را به طور ایجابی و اثباتی
از آن‌ها استنباط کرد. مواد موجود در کنوانسیون دست‌کم در سه مجموعه همکاری و
تعاون متقابل و میان طرفین قرارداد را به طور اثباتی بیان و تصریح می‌کنند.

اولین مجموعه از این وظایف در خصوص وظیفه متقابل طرفین نسبت به
اطلاع‌رسانی به طرف مقابل یا به یکدیگر است.^۳

برای مثال، در بند دوم ماده ۲۱ مقرر شده است که «هرگاه نامه یا نوشته دیگری که
متضمن قبول توأم با تأخیر است حکایت از این داشته باشد که ارسال آن در چنان اوضاع
و احوالی صورت گرفته که اگر جریان انتقال به صورت عادی انجام می‌گرفت ظرف مدت
مقرر به ایجاب‌کننده می‌رسید، این قبول با تأخیر قبولی نافذ محسوب می‌شود، مگر این‌که

1. Convention on International Sale of Goods

۲. در پرونده‌های مرتبط با همکاری متقابل، در شروط قراردادی درجه‌ای از همکاری متقابل به طور اثباتی پیش‌بینی شده است.
برای مثال، در پرونده شرکت حمل‌ونقل دینامیک علیه شرکت با مسئولیت محدود او کی دیتیلینگ در سال ۱۹۷۸ که در آن برای
خرید زمینی قراردادی منعقد شده بود با این شرط که هرگونه تفکیک‌بندی مجدد نیازمند گرفتن رضایت‌نامه جداگانه بود، اما
تعیین نشده بود که این عمل باید از سوی کدام طرف قرارداد انجام شود. دیوان عالی در این خصوص اعلام کرد که چون
فروشنده موظف است پیش از فروش به اخذ تأییدیه تفکیک ملک اقدام کند، به موجب این قرارداد نیز تولیداً این فروشنده است
که باید به این امر اقدام نماید.

Dynamic Transport Ltd. V. O.K Detailing Ltd. (1987) case is mentioned in:

The duty of good faith and contracts in the energy sector, Neil Finkelstein, Alberta Law Review, 2015,
53:2, p.352

۳. به بند دوم از ماده ۱۹، بند دوم از ماده ۲۱، بند یکم از مواد ۲۶ و ۳۹، بند دوم از ماده ۴۸، ماده ۶۵، ماده ۶۸، بند سوم از ماده
۷۱، بند دوم از ماده ۷۲، بند چهارم از ماده ۷۹ و بند یکم از ماده ۸۸ مراجعه شود.

ایجاب‌کننده بی‌درنگ به‌طور شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب ایجاب برساند که وی ایجاب خود را خاتمه یافته تلقی می‌کند» (صفایی، ۱۳۹۲، ص ۴۰۸). در این ماده، از آنجاکه الزام به اطلاع‌رسانی به نفع طرف ایجاب است، کنوانسیون فرد ایجاب‌گر را ملزم به همکاری با وی به منظور اطلاع از وجود یا عدم وجود ایجاب نموده است.^۱ مجموعه دوم از قواعد و مقررات اثباتی مرتبط با الزامی بودن حفظ و محافظت از کالا و مبیع است که در مواد ۸۵ تا ۸۸ کنوانسیون یک طرف را ملزم به همکاری بر مبنای منافع طرف مقابل کرده است.

برای نمونه می‌توان به بند یکم از ماده ۸۶ اشاره کرد که کنوانسیون فرد خریدار را ملزم می‌کند از کالاهایی که دریافت کرده و قصد رد آن‌ها را دارد محافظت کند.^۲ سومین مجموعه از وظایف اثباتی که به همکاری متقابل اشاره دارد، دربردارنده مواد ۵۴ تا بند الف از ماده ۶۰ است. این مواد به همکاری متقابل میان طرفین به منظور یاری‌رساندن به یکدیگر برای اجرای تعهدات متقابل اشاره دارد.

برای مثال، مطابق مقررات موجود در فوب در اینکوترمز، خریدار موظف به تعیین کشتی و فروشنده موظف به تعیین بندرگاه بارگیری کالای مورد معامله است. حال اگر فروشنده در تعیین بندرگاه بارگیری را تعیین نکند و متعاقباً خریدار نتواند درخواست صدور ضمانت‌نامه بانکی و تعیین کشتی کند، مطابق ماده ۳۸۰ کنوانسیون، فروشنده نمی‌تواند این عدم اقدام از جانب خریدار را عدم اجرا و نقض تعهد بداند و بر مبنای آن

1. Article 21

(1) A late acceptance is nevertheless effective as an acceptance if without delay the offeror orally so informs the offeree or dispatches a notice to that effect.

(2) If a letter or other writing containing a late acceptance shows that it has been sent in such circumstances that if its transmission had been normal it would have reached the offeror in due time, the late acceptance is effective as an acceptance unless, without delay, the offeror orally informs the offeree that he considers his offer as having lapsed or dispatches a notice to that effect.

2. Article 86

(1) If the buyer has received the goods and intends to exercise any right under the contract or this Convention to reject them, he must take such steps to preserve them as are reasonable in the circumstances. He is entitled to retain them until he has been reimbursed his reasonable expenses by the seller.

(2) If goods dispatched to the buyer have been placed at his disposal at their destination and he exercises the right to reject them, he must take possession of them on behalf of the seller, provided that this can be done without payment of the price and without unreasonable inconvenience or unreasonable expense. This provision does not apply if the seller or a person authorized to take charge of the goods on his behalf is present at the destination. If the buyer takes possession of the goods under this paragraph, his rights and obligations are governed by the preceding paragraph.

3. Article 80

A party may not rely on a failure of the other party to perform, to the extent that such failure was caused by the first party's act or omission.

تعهد را فسخ کند؛ چراکه عامل عدم انجام تعهد از جانب خریدار به علت اهمال خود فروشنده بوده است.

۱-۲. وظایفی که به طور سلبی از انجام آن‌ها جلوگیری شده است

همان‌گونه که کنوانسیون، به منظور همکاری در جهت اجرای تعهدات قرارداد، وظایف ایجابی و اثباتی را بر عهده طرفین قرار داده است، ایشان را برای حمایت از طرفین یا یک طرف قرارداد از انجام اموری باز داشته است.^۱ آن‌چنان‌که علاوه بر ماده ۸۰ کنوانسیون، ماده ۱،۸ از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۲ نیز طرفین را از سودبری حاصل از عمل نادرست خویش مانع شده است.

۲. تعریف و تبیین جایگاه اصل همکاری متقابل در اصول قراردادهای اروپا

اصول قراردادهای اروپا^۳ در ماده ۱:۲۰۲ به ملزم بودن طرفین برای داشتن همکاری متقابل اشاره نموده است.^۴ این ماده بیان می‌دارد که طرفین ملزم‌اند به منظور اجرایی شدن و مؤثر واقع شدن قرارداد با یکدیگر همکاری متقابل داشته باشند. اگرچه در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول قراردادهای اروپا بر الزام طرفین در جایی که همکاری متقابل به طور منطقی انتظار می‌رود تصریح شده است، ادبیات به‌کاررفته در اصول قراردادهای اروپا متفاوت است و به موارد بیشتری برای تبیین وظیفه طرفین نسبت به همکاری متقابل اشاره شده است (Commission on European Contract Law, 2003).

بیان این‌که در مواردی از طرفین منطقیاً انتظار می‌رود با یکدیگر همکاری متقابل داشته باشند، این‌گونه در نظر جلوه‌گر می‌شود که گویی یک طرف در وهله نخست ممکن است برای همکاری از طرف مقابل خود انتظاراتی غیرمنطقی داشته باشد، درحالی‌که هر

۱. مراجعه شود به مواد دوم، سوم، بند سوم از ماده ۸، بند دوم از ماده ۹، بند دوم از ماده ۱۴، بند دوم از ماده ۱۸، بند دوم از ماده ۱۹، بند دوم از ماده ۲۱، ماده ۲۵، ماده ۳۳، قسمت ب از بند دوم ماده ۳۵، بند دوم از ماده ۳۹، ماده ۴۱، قسمت ب از بند دوم ماده ۴۲، بند یکم از ماده ۴۶، بند دوم از ماده ۴۷، بند دوم از ماده ۴۸، بند دوم از ماده ۴۹، ماده ۶۲، بند دوم از ماده ۶۳، بند دوم از ماده ۶۴ و ماده ۶۶.

2. Article 1.8 (Inconsistent Behaviour)

A party cannot act inconsistently with an understanding it has caused the other party to have and upon which that other party reasonably has acted in reliance to its detriment.

3. Principles of European Contract Law

4. Article 1:202: Duty to Co-operate

Each party owes to the other a duty to co-operate in order to give full effect to the contract.

دو طرف تعهدات و وظایفی بر مبنای قرارداد دارند. همچنین زمانی که یک طرف قرارداد وظیفه‌ای را که به عهده ندارد انجام نمی‌دهد، نباید وی را ناقض قرارداد شناخت. بنابراین، اگرچه طرفین متعهد به داشتن وظیفه همکاری متقابل اند، باید میان آنچه تعهد به وظایف قراردادی است و داشتن همکاری متقابل توازن برقرار شود. همچنین، برای تعیین مرز ضروری است که در ابتدا خط تعادل میان وظایف فردی و متقابل طرفین قرارداد تعیین شود، شرایط و اوضاع و احوال پیرامون قرارداد بررسی شود و در نهایت تعیین شود در چه اموری طرفین موظف به داشتن همکاری متقابل با یکدیگرند.

به موجب اصول قراردادهای اروپا، عدم همکاری متقابل به منزله عدم اجرای تعهدات قراردادی است. پاراگراف چهارم از ماده ۱:۳۰۱ مواردی همچون اجرای مؤخر، اجرای ناقص و عدم همکاری متقابل در اجرای قرارداد را به منزله عدم اجرای تعهدات قراردادی دانسته است.

۳. تعریف و تبیین جایگاه اصل همکاری متقابل در طرح چارچوب مشترک مرجع
طرح چارچوب مشترک مرجع در باب حقوق خصوصی اروپایی^۲ در سال ۲۰۰۹ صادر شد و در آن سعی شده است تا قلمرو و اصول همکاری متقابل تعیین و تبیین شود.^۳ این سند را گروه محققان حقوق مدنی و حقوق خصوصی اروپا تهیه کردند و مواد موجود در آن، بیش از مقررات آنسیترال^۴ و اصول قراردادهای اروپا، سعی در تعیین و شفاف‌سازی اصول حاکم بر قراردادهاست که یکی از آنها اصل همکاری متقابل است که در فصول متفاوت این سند مطرح و تبیین شده است.
در طرح چارچوب مشترک مرجع، همکاری متقابل از اصول موجود در حقوق تعهدات قلمداد شده است. در ماده ۱:۱۰۴ از کتاب سوم اصل عمومی همکاری متقابل

1. Article 1:301 Meaning of terms:(4) 'non-performance' denotes any failure to perform an obligation under the contract, whether or not excused, and includes delayed performance, defective performance and failure to co-operate in order to give full effect to the contract.

2. Draft Common Frame of Reference

3. Study Group on a European Civil Code and Research Group on EC Private Law (Acquis Group) (2009), Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law. Draft Common Frame of Reference (DCFR), Sellier. European Law Publishers GmbH, Munich.

4. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL) (1987), Legal Guide on Drawing Up International Contracts for the Construction of Industrial Works, United Nations, New York

مطرح و مقرر شده است که بدهکار و طلبکار ملزم به همکاری متقابل با یکدیگر در جایی هستند که این همکاری به طور منطقی از آن‌ها انتظار رود.^۱

طرح چارچوب مشترک مرجع در باب مسئولیت طرفین به همکاری متقابل در عقد بیع مواردی را مشخص نموده است. با استفاده از مواد این سند، قراردادهای مرتبط با نفت و گاز در حوزه بالادستی و پایین‌دستی مشمول مقررات مربوط به انعقاد قراردادهای بیع کالا و خدمات و ساخت‌وساز و همچنین پیمانکاری می‌شوند.

در بخش قراردادهای خدماتی ساخت‌وساز و پیمانکاری در این سند^۲ وظایفی بر مبنای همکاری متقابل میان طرفین به شرح زیر مشخص شده است:

الف) مشتری خدمات ملزم است اطلاعات لازمی را که موجب سهولت خدمت‌رسانی می‌شود به طرف ارائه‌دهنده خدمات منتقل کند.

ب) مشتری خدمات ملزم است دستورالعمل‌هایی را که موجب سهولت خدمت‌رسانی می‌شود در اختیار طرف ارائه‌دهنده خدمات قرار دهد.

ج) مشتری خدمات ملزم است، برای سهولت در خدمت‌رسانی، در فرایند اخذ مجوزات و پروانه‌های لازم با ارائه‌دهنده خدمات نهایت همکاری را داشته باشد.

د) ارائه‌دهنده خدمت ملزم است مدت‌زمانی منطقی را در اختیار مشتری خدمت بگذارد تا مشتری بتواند تعیین کند که او وظایف قراردادی را به درستی انجام داده است.

ه) طرفین قرارداد ملزم‌اند وظایف و الزاماتی را که به موجب قرارداد به آن متعهد شده‌اند با دقت و درستی به انجام رسانند.

علاوه بر وظایف گفته‌شده، بخش‌هایی دیگر در این سند طرف مشتری را ملزم به همکاری متقابل در اجرای تعهدات قراردادی به شرح زیر کرده است:

- مشتری ملزم است مسیر دستیابی به مکانی را که ارائه‌دهنده خدمت ملزم به اجرای تعهدات خویش در آنجاست در اختیار وی بگذارد.

1. III.-1:104: Co-operation

The debtor and creditor are obliged to co-operate with each other when and to the extent that this can reasonably be expected for the performance of the debtor's obligation.

2. IV.C - 3:102

• مشتری ملزم است مواد اولیه‌ای را که ارائه‌دهنده خدمات، برای انجام تعهدات قراردادی خود، به‌طور منطقی باید به آن دسترسی داشته باشد در اختیار وی بگذارد.

در بخش مرتبط با قراردادهای بیع، طرح چارجوب مشترک مرجع^۱ مقرر داشته است که همان‌طور که بایع وظیفه تحویل کالا را بر عهده دارد، خرید تعهدات مرتبط با تحویل کالا را بر عهده دارد و باید شرایط و اقدامات لازم را برای آماده‌کردن زمینه تحویل مبیع از جانب بایع فراهم آورد و ثمن آن را نیز پردازد. همچنین تبیین نموده است که چنانچه هریک از طرفین از تعهدات و همکاری متقابل خود قصور کند، مطابق مقررات موجود در کتاب سوم این سند، باید برای جبران و تعیین تکلیف آینده قرارداد اقدام کند.

در وهله نخست ممکن است این‌گونه به‌نظر برسد که در سند چارجوب مشترک مرجع فقط به اقدامات مثبت در همکاری متقابل میان طرفین اشاره شده است، اما نگارنده بر این نظر است که مطابق با این سند، در موقعیت‌هایی، یکی از طرفین ملزم است در حالت منفعل قرار گیرد تا طرف مقابل را به انجام تعهدات خود قادر سازد.^۲

برای مثال، بایع و ارائه‌دهنده خدمات باید به مشتری اطلاعات لازم را ارائه دهند، اما نباید مانع ایشان از مشاهده و بررسی فردی مبیع و اقدامات ضروری دیگر شوند. در نهایت، هنگامی که قرارداد اقدامات تلویحی برای اجرای قرارداد را معلوم و مشخص نمی‌کند، برای تعیین آن باید به اصل کلی همکاری متقابل مراجعه کرد و ضرورت وجود آن را با معیار منطقی بودن سنجید.

۴. تعریف و تبیین جایگاه اصل همکاری متقابل در فقه اسلامی و حقوق ایران

اصل همکاری متقابل در حقوق ایران سابقه تقنینی مشخصی ندارد، اما تا به اینجا با بررسی اسناد بین‌المللی در این خصوص سعی شد تا جایگاه این اصل در اسناد بین‌المللی

1. IV.A.-3:101: Overview of obligations of the buyer

The buyer must:

(a) pay the price;

(b) take delivery of the goods.

۲. برای مثال، در پرونده شرکت لیک لورل علیه شرکت پیمانکاری نیکولاس (۲۰۱۹): قاضی بواسکیل دریافت از آنجاکه راهن

تعهدی به گرفتن تأییدیه نداشته است و فقط به‌طور ضمنی موظف به انجام‌دادن اعمالی بوده است که مرتبه‌ن را از انجام تعهدات خویش بازدارد.

Lake Laurel Pty Ltd v. Nicholas Construction Pty Ltd. (2019)

تبیین شود که بتوان با توجه به آن ماهیت و جایگاه این اصل را در حقوق ایران بررسی کرد.

در مبحث حقوق مدنی و قراردادها، زمانی که یک تعهد یا به عرصه وجود می‌گذارد، به‌ویژه در فرضی که تعهد ناشی از خواست و اراده آزاد باشد، قانون این‌گونه از تعهدات و اجرای آن‌ها حمایت می‌کند که بهترین نمونه برای اثبات این ادعا وجود ماده ۱۰ قانون مدنی است.

در حقوق ایران وجود و چگونگی حمایت و اجرای اصل همکاری متقابل را در ابتدا باید در جایگاه آن در حقوق ایران جست‌وجو کرد. ریشه چنین اصل و تعهدی را عمدتاً در تعهد ضمنی یا صریح قراردادی و همچنین اصل حسن‌نیت و اصول فقهی همچون اوفوا بالعقود و لاضرر می‌توان یافت (خسروی، ۱۳۹۶، ص ۴).

۴-۱. تعهد همکاری متقابل حاصل از تعهد صریح و ضمنی قراردادی

در زمانی که بر اساس اصل حاکمیت اراده بر تعهد بر همکاری متقابل طرفین اشاره می‌شود، تردیدی در نفوذ چنین تعهدی وجود ندارد. اما زمانی که به وجود آن شک و تردید باشد، در نظام حقوقی ایران مانند بسیاری از کشورها درباره وجود آن حکم صریحی وجود ندارد.

در صورت عدم تصریح به آن و تحت شرایطی که بتوان تعهد مزبور را به اراده ضمنی طرفین نسبت داد نیز، همان مبنا را می‌توان مورد استناد قرار داد؛ به عبارت دیگر، از احراز وجود اراده ضمنی بین طرفین مبنی بر قبول تعهد به همکاری، تعهد مذکور مانند درج صریح آن در قرارداد پذیرفتنی است و نوع تعهد طرفین در این خصوص تعهد ایجابی است.

تعهدات صریح و ضمنی که به صورت ایجابی و سلبی نمود می‌یابند از قواعد عمومی قراردادهاست که مفهومی یکسان در همه نظام‌های حقوقی دارند؛ بنابراین، در صورتی که مبنای تعهد همکاری تعهد صریح یا ضمنی در قرارداد باشد، حقوق ایران در این خصوص همسو با حقوق دیگر کشورهاست.^۱

۱. در مواردی که شرط تعهد به همکاری متقابل به‌طور ضمنی باشد، بیشترین پرونده‌های دعاوی را به خود اختصاص می‌دهد. برای مثال، شرط ضمنی همکاری متقابل محدود به انجام امر ضروری برای پایبندی و اجرای تعهدات و عقود قراردادی است.

۲-۴. تعهد به همکاری متقابل حاصل از اصل حسن نیت

در متون قانونی و حقوقی ایران تعریف و تبیین اصطلاح و مفهوم اصل حسن نیت که دارای جایگاه ویژه‌ای در روابط قراردادی و متقابل طرفین قرارداد است و رابطه تنگاتنگی نیز با اصل همکاری متقابل دارد،^۱ مغفول مانده است و فقط در ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۲ آمده است که در سال ۱۳۶۱ بازبینی شد و در نهایت در سال ۱۳۷۰ از متن قانون مدنی حذف شد. این اصطلاح در فصل مرتبط با خواستگاری به‌صراحت آورده شده بود و بیان می‌داشت که چنانچه بر اساس حسن نیت هزینه‌هایی صورت گرفته باشد، طرفی که وصلت را به‌هم زده است ملزم به جبران خسارت طرف مقابل است. اگرچه در حقوق ایران اصلی به‌عنوان حسن نیت در میان اصول قراردادی شناخته نشده است، از مفاد موجود در مواد ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۱، ۲۲۰ و ۲۷۹ قانون مدنی می‌توان وجود تلویحی اصل حسن نیت در نظام حقوقی ایران را استنباط کرد.

۳-۴. قواعد فقهی مرتبط با اجرای قراردادها

• قاعده فقهی اوفوا بالعقود

به‌موجب «اوفوا بالعقود» که در آیه یکم سوره مبارکه مائده آمده است، وفا و اجرای همه عقود مورد امر و دستور الهی قرار گرفته است و همان‌طور که در صحیفه ابن سنان آمده است «العقود هو العهود»، چون عهد حاصل از عقود به‌طور مطلق به‌کار رفته است،

در این حالت قاضی مکلف به تعیین ماهیت ضروری امر موردانتظار از اجرای قرارداد است. قاضی همچنین مکلف به تعیین و میزان نفع حاصل از اجرای قرارداد نیز هست، چراکه این مقوله محدودۀ شرط و تعهد همکاری متقابل را تعیین و مشخص می‌نماید. برای نمونه در پرونده ویلینگتون علیه شرکت هاکسین انرژی (۲۰۱۹)، قاضی جکسون ملزم بود تا تعیین نماید که آیا شرط ضمنی مرتبط با تعهد به همکاری متقابل به‌گونه‌ای مقرر شده بوده است که در قرارداد خریدار را به انجام اعمالی در زمینه اکتشاف منابع انرژی ملزم کند یا خیر. قاضی در این پرونده مقرر کرد که فروشنده در قرارداد بیع فی‌مابین خریدار را ملزم به انجام امور مرتبط با اکتشاف منابع نکرده بوده است، ازاین‌رو نمی‌توان خریدار را ناقض شرط ضمنی مرتبط با انجام تعهد به همکاری متقابل دانست.

Wellington V. Huaxin Energy Pty Ltd, (2019).

۱ با توجه به اصل حسن نیت و نزدیکی مفهوم آن با اصل همکاری متقابل، پرونده‌های قابل‌توجهی مطرح است. برای مثال، در پرونده شرکت ام و تی علیه شرکت توسعه منابع سوخت و انرژی (۱۹۸۱)، دادگاه مقرر داشت که طرف عامل ملزم به رعایت و نشان‌دادن حسن نیت در تخمین هزینه‌های پروژه بوده است. ازاین‌رو دیگر قضات در موارد مشابه طرفین را ملزم به رعایت و نشان‌دادن حسن نیت می‌دانند و این اصل حتی بدون آن‌که مورد تصریح واقع شود باید بین طرفین در اجرای قرارداد لازم‌الاجرا باشد.

M & T, Inc. V. Fuel Resources Development (1981)

مشمول این آیه بوده و وفا به آن لازم است. شیخ انصاری بر اساس مبنایی اصولی معتقد است آنچه از سوی شارع مقدس به طور مستقیم وضع شده است حکم تکلیفی است. همچنین بیشتر فقهای شیعه معتقدند که این آیه از جمله احکام وضعی است، چراکه احکام وضعی به طور مستقیم قابل جعل اند. در نهایت، به موجب این قاعده طرفین قرارداد ملزم اند به منظور وفا و اجرای مفاد قرارداد اقدامات لازم را انجام دهند و با یکدیگر همکاری داشته باشند (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۳۷).

• قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی در باب عبادات و معاملات قاعده لاضرر است که از حدیث حضرت محمد (ص) به دست آمده است. طبق حدیث شریفه، «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»؛ بدین معنا که در اسلام ضرردیدن و ضرر رساندن پذیرفتنی نیست.

تفاسیر فراوانی از ضرر و اضرار میان فقها موجود است، اما بنابر عقیده حضرت امام خمینی (ره) در کتاب الرسائل که در تفسیر و تبیین فرق بین ضرر و اضرار این گونه بیان شده است که «غالب استعمالات ضرر و اضرار و مشتقات آنها مالی یا نفسی است ولی کاربرد ضرر و مشتقاتش در تضییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت شایع و رایج است.» (موسوی الخمینی، ۱۴۱۰، ص ۵۹)، پس اضرار به معنای اخیر غلبه دارد. در قرآن مجید، هر جا کلمه ضرر به معنی ضرر مالی و جانی است، ولی هر جا کلمه اضرار آمده است به معنای تضییق و ایصال حرج است؛ مانند آیه شریفه «لا تضار والده بولدها»^۱.

با توجه به موارد گفته شده، شایان ذکر است از آنجاکه ضرردیدن و ضرر رساندن با توجه به مفاد متون دینی جایز نیست، در تعهدات و معاملات نیز طرفین ملزم اند نهایت تلاش خود را برای انجام تعهدات فی مابین به کار ببندند تا طرفی از عدم انجام تعهدات متقابل متضرر نشود.

۵. کاربرد اصل همکاری متقابل و راهکارهای حل اختلافات حاصل از آن در

قراردادهای نفت و گاز

امروزه صنعت نفت و گاز در عرصه ملی و بین‌المللی و عقود منعقد در بخش‌های بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی در این صنعت بسیار پیچیده است. مراحل انعقاد اغلب

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۳

قراردادها در صنعت نفت بدین ترتیب است که پس از تهیه نقشه‌ها و مشخصات اجرایی طرح، اسناد مناقصه منتشر می‌شود و پیمانکاران برتر انتخاب می‌شوند و قرارداد با آنان منعقد می‌گردد. قراردادهای نفتی معمولاً طرف‌های متعددی دارند، همچون مهندسان، ناظران، مشاوران، پیمانکاران، مدیران شرکت‌ها و نمایندگان دولت‌ها. همچنین این قراردادها و پروژه‌هایی که به‌موجب این قراردادها اجرا می‌شوند در مدت زمانی طولانی انجام می‌شوند. در طی مدت انجام این پروژه‌ها ممکن است شرایطی پیش‌بینی‌ناپذیر رخ دهد که در نهایت طرفین را از ادامه اجرای قرارداد منصرف کند؛ بنابراین لازم است طرفین قراردادها رفتار و رویکردی مناسب و مؤثر در مقابل پروژه‌های بلندمدت داشته باشند و میان ایشان روحیه همکاری متقابل وجود داشته باشد (Evaldes, 2010, p.305).

در صورتی که چنین رویکردی از جانب طرفین به این‌گونه قراردادها وجود داشته باشد، مشاهده خواهد شد که درج اصل همکاری متقابل در این قراردادها عنصر اساسی تلقی می‌شود، هرچند در عمل ممکن است وجود و اهمیت این اصل در این نوع از قراردادها یا در قوانین مرتبط به این قراردادها دست‌کم گرفته شود. برای نمونه، در تحلیل حقوق‌دانانی همچون مکینس (2003, p.325) تبیین شده است که تعهد به همکاری متقابل در قراردادها امری الزام‌آور جداگانه یا اضافه وجود ندارد بلکه در بطن قراردادها وجود دارد؛ هرچند در این تحلیل مکینس معتقد است محاکم قضایی و داوری وجود این اصل را در قراردادها الزامی می‌دانند، اما در نهایت ابراز می‌دارد که وجود و الزام اجرای اصل همکاری متقابل عنصری جداگانه از وجود قرارداد نیست.

در ادامه چرایی اهمیت اصل همکاری متقابل در قراردادهای نفت و گاز و اختلافات حاصل از آن‌ها به‌طور خاص بررسی و تبیین می‌شود:

در اغلب موارد در قراردادهای نفتی زمانی دعاوی اقامه می‌شوند که طرفین در خصوص فهم خواسته‌های دوجانبه دچار سوء تفاهم می‌شوند و در برخی موارد ممکن است اختلافات کوچک به دعاوی بسیار پیچیده‌ای منجر شود. در اینجاست که اجرای مناسب و استاندارد اصل همکاری متقابل موجب ممانعت از بروز بسیاری از دعاوی کم‌اهمیت می‌شود.

به منظور به وجود نیامدن بسیاری از اختلافات، در ابتدا لازم است هر ک از طرفین قرارداد بتواند خواسته‌ها و انتظارات خویش را به طور شفاف به طرف مقابل اعلام کند تا طرف عامل بتواند بر مبنای آن اجرای تعهدات قراردادی خود را شروع کند. اعلام خواسته و انتظارات طرفین ممکن است از راه‌های متفاوتی صورت گیرد، مانند این که طرف اصیل با ارسال لایحه‌ای به توصیف خواسته‌ها و انتظارات خویش بپردازد.

در مرحله بعدی ابراز و انتقال اطلاعات و دستورالعمل‌ها دارای اهمیت یکسانی با مورد پیشین است، چراکه اگرچه ابراز خواسته‌ها و انتظارات مهم و اساسی است، عدم انتقال اطلاعات و دستورالعمل‌ها موجب بروز خسارات و اختلافات مهم و پیچیده‌ای خواهد شد. به همین سبب است که طرفین با در نظر گرفتن اصل همکاری متقابل ملزم به ارائه اطلاعات و دستورالعمل‌های لازم و دریافت آن‌ها هستند.

در گام سوم باید از دریافت خواسته‌ها، انتظارات، اطلاعات و دستورالعمل‌ها اطمینان به دست آید که این امر با برگزاری نشست و مجامع میان طرفین قراردادها میسر می‌شود. این روش به منزله یکی از راه‌های جلوگیری از بروز اختلافات در راهنمای حقوقی آنسیترال این گونه تعیین و مشخص شده است که نمایندگان طرفین می‌توانند ملاقات‌هایی دوره‌ای در مورد اختلافات ترتیب دهند راهکارهای مورد نظر خویش را برای حل و فصل اختلافات ارائه کنند تا از این طریق اختلافات به مراجع حل اختلاف همچون محاکم قضایی و داوری کشانده نشود.

نهایتاً با مدیریت خوب و مؤثر اختلافات می‌توان از بروز جدی و چالش برانگیز آن‌ها جلوگیری کرد. طرفین قراردادی می‌توانند، با بهره‌گیری از روش‌ها و مهارت‌های مدیریت تعارضات، اختلافاتی را که معمولاً در مجامع مشترک و ملاقات‌ها بیان و ابراز می‌شوند حل و فصل کنند. در عمل مشاهده شده است که اگرچه طرفین اختلاف یا نمایندگان آن‌ها بهترین و مناسب‌ترین اشخاص برای حل اختلافات‌اند، در موارد چالش برانگیز و پیچیده معمولاً از خبرگان و کارشناسان و مهندسان زبده در مجامع و جلسات مشترک میان طرفین اختلاف برای بررسی اختلافات و حل آن‌ها دعوت به عمل می‌آید (Murdoch & Hughes, 2008, p.57).

چنانچه در قرارداد نفتی اصول قراردادی همچون اصل همکاری متقابل به‌درستی پیش‌بینی و نحوه و موارد اجرای آن تبیین شده باشد و طرفین قراردادی نیز به آن پایبند و در اجرای آن کوشا باشند، همچنان پیش‌بینی موارد اختلاف‌آمیزی که ممکن است خارج از کنترل طرفین و قلمرو و ماهیت قراردادی رخ دهد مشکل است.

مورد مهم دیگری که شایان ذکر است، حفظ اصل همکاری در تعهدات خارج از متن قرارداد است. بنابراین باید گفت که اجرای مناسب و صحیح اصل همکاری متقابل مشکلات حاصل از نحوه اجرای قرارداد را که از عوامل و موارد خارج از قرارداد حاصل شده‌اند حل و فصل می‌کند. برای مثال، چنانچه یکی از طرفین قرارداد استناد به معافیت از انجام قرارداد کند، برای عدم انجام تعهد خویش باید بدون معطلی و به‌طور کتبی به طرف مقابل اطلاع دهد. این نوع اطلاع‌رسانی طرف دیگر قرارداد را قادر می‌سازد تا خسارات حاصل از عدم اجرا را کم یا برطرف سازد. در اینجا و بنابر اصل همکاری متقابل و پس از دریافت اطلاعیه از عدم انجام تعهد، هر یک از طرفین قراردادی متعهدند که برای کاهش یا برطرف کردن خسارات حتمی یا ممکن‌الحصول که موجب متضرر شدن طرفین یا اشخاص ثالث می‌شوند راه‌حل‌هایی ارائه نمایند.

وقایعی همچون ورشکستگی نظام اقتصادی مواردی استثنایی هستند که ممکن است به‌طور چشمگیری بر روابط و شروط قراردادی که بر مبنای آن طرفین توافق و تعهد کرده‌اند اثر بگذارند، به‌طوری‌که آن‌ها را از انجام تعهدات معاف کنند یا مانع شوند. پرسشی که مطرح می‌شود این است: در صورت وقوع چنین رویدادهایی کدام یک از طرفین و تا چه اندازه باید خطر و ریسک چنین تغییرات و وقایعی را بپذیرند؟

در پاسخ به این پرسش توجه و پیروی از دو اصل ضروری است: احترام به متن و روح قرارداد و پیروی از اصل حسن‌نیت. بنابر راه‌حل‌ها و مقرراتی که در اسنادی همچون اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا بیان شده است، در مواردی که وقوع آن‌ها خارج از کنترل طرفین است و موجب ضرر و خسارت است، طرف متضرر می‌تواند طرف دیگر را به مذاکره مجدد به‌منظور تعدیل و حفظ قرارداد دعوت کند.

امکان دگرگونی موضوع قرارداد مورد دیگری است که باید به آن توجه شود. انعطاف‌پذیری موضوع قرارداد در موردی مطرح می‌شود که رویداد آن مورد موجب تغییر موضوع قرارداد شود. در این صورت، چنانچه موضوع قرارداد تغییرپذیر باشد، به‌منظور حفظ و تعدیل آن می‌توان با برقراری جلسات مذاکره میان طرفین به تعدیل و اصلاح موضوع و شروط قراردادی اقدام کرد تا همچنان شرایط برای بقا و همکاری متقابل در اجرای شروط قرارداد فراهم باشد.

نتیجه‌گیری

در نتیجه تبیین و بررسی اصل همکاری متقابل و چگونگی وجود آن در عقود و قراردادهای نفتی می‌توان گفت که تعهد و وظیفه طرفین قرارداد نسبت به همکاری متقابل اصلی عمومی از اصول حقوق قراردادهاست که با اصل حسن‌نیت و اصل انجام معامله منصفانه رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و تأثیر مهمی در اجرای شروط قراردادی می‌گذارد. در قراردادهای موجود در صنعت نفت که عمدتاً در زمره قراردادهای مرتبط با اجرای پروژه، مشارکت، سرمایه‌گذاری و بیع قرار می‌گیرند، طرفین قراردادها چنانچه به‌طور صریح یا تلویحی به چگونگی تبعیت خویش از اصل همکاری متقابل تصریح نکرده باشند، برای تبعیت از اصل همکاری متقابل می‌توانند اقداماتی همچون پاسخ‌دهی مناسب به ابهامات قراردادی، همکاری در اخذ مجوزات لازم، فراهم‌آوردن امکان دسترسی به اطلاعات و دستورالعمل‌های لازم، تولید و تهیه و ارسال نفت و گاز با کیفیت و مقدار موردانتظار، تبیین دقیق نیازها و انتظارات، محافظت از مبیع در زمان پیش از تسلیم آن و سایر موارد مهم و مرتبط دیگری همچون برگزاری جلسات برای مدیریت اجرای قرارداد را انجام دهند و در این موارد با یکدیگر همکاری تام داشته باشند. همچنین، ضروری است طرفین قرارداد برای اجرای اصل تعهد به همکاری متقابل، حتی اگر یکی از طرفین با استناد به معافیت از اجرای تعهد از انجام آن معاف باشد، همکاری لازم را در زمان بروز تغییرات ناگهانی در اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد یا ارائه درخواست جهت تعدیل و تغییر موضوع آن داشته باشد تا از اجرای کامل قرارداد اطمینان حاصل شود.

منابع

- خسروی، مجید (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی تعهد به همکاری متعهد له در اجرای قرارداد*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ستوده، غلامرضا (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهنده*. جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۳). *حقوق بیع بین‌المللی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). *قواعد فقه*، جلد ۲. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- موسوی الخمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۰ قمری). *الرسائل*، جلد ۱. قم: اسماعیلیان.
- Commission on European Contract Law (2003). *The Principles of European Contract Law*.
http://frontpage.cbs.dk/law/commission_on_european_contract_law/PECL%20engelsk/engelsk_partI_og_II.htm. (last visited on 2020/3/24)
- Evaldas, K. (2010). *The Duty to Co-operate in construction Contracts*. Vilnius: Vilnius University Publication.
- International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT) (1994). UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts, <http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles1994/1994fulltext-english.pdf> (last visited on 2020/2/11)
- Mcinnis, A. (2003). "The new engineering contracts: relational contracting, good faith and co-operation-Part 2". *The International Construction Law Review*, 20(2), 289-325.
- Murdoch, J. R., & Hughes, W. (2008). *Construction Contracts: Law and Management*. 4th edition, London: Taylor & Francis.
- Neumann, T. (2012). *The Duty to Cooperate in International Sales / The Scope of and role of Article 80*. Sellier. European Law Publishers, Munich, Germany.

A Comparative Study of the General Legal Principle of Mutual Cooperation in International Documents and Iranian Legal System Concerning Contracts with Emphasis on Oil Contracts

Atefe Ghasemi,¹ Mohammad Taghi Rafiee²

Abstract

It is generally accepted that the contracts' content reflects the goals of contractor parties and with relying on contractual rules and mechanisms be performed accurately and completely to ensure the parties that their efforts for concluding the contract shall result in their mutual intention and interest. One of the essential contractual rules is co-operation rule that might encourage or prevent the parties from doing some activities to make sure that the concluded contract shall work out if included in the contract. The problem might arise when this rule is not included or implied in the contract, and even such unexpected events have happened that make it difficult for both parties to be bound to the concluded contract. Under these circumstances, this essay by analyzing this rule under the important international documents including the CISG, PECL, DCFR, Islamic Fiqh and the Iranian legal system, has suggested the solutions such as contract management methods to maintain the oil & gas contracts performable and resolve the contractual conflicts.

Keywords: Conflicts Management, Contract Amendment, Contract Maintenance, Fair Behavior, Good Faith Rule.

1. Ph.D Candidate of Oil & Gas Law at University of Tehran (Corresponding Author; Atefe.ghaemi@ut.ac.ir)

2. Private Law Ph.D degree holder and Associate Professor of Private Law at University of Tehran , rafiei@uta.ac.ir